

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا ۵۳۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش باز گرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۰ شهریور ۱۳۸۹، ۱ سپتامبر ۲۰۱۰

سر دبیر: عبدال گلپریان

مبارزه پیگیر برای آزادی زندانیان سیاسی در حاشیه حکم زندان تعزیری اسعد مولودزاده



ناصر اصغری

اتهامات پوچی را چون "تبلیغ علیه نظام" به آنها بسته اند. گرچه مطالبه آزادی بیان و اعتصاب و تشکل بنیاد سست نظام اسلامی را در هم می

صفحه ۲

"کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" اخیرا در خبری از دادگاهی و به زندان تعزیری محکوم شدن اسعد مولودزاده، یکی از اعضای این نهاد کارگری خبر داده است. نوشتن در باره این مورد مشخص از آنجا اهمیت دارد که مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را يك لحظه هم از دستور خارج نکنیم. هم اکنون فعالین کارگری زیادی هم از کردستان و هم از دیگر نقاط ایران به دلیل تأکید بر خواست آزادی تشکلهای کارگری دستگیر شده و مقامات رژیم اسلامی

صفی متحد و سراسری علیه گرانی، بیکاری و فقر شکل دهیم! بیانیه حزب کمونیست کارگری در باره فلاکت اقتصادی

گرانی، بیکاری و فلاکت اقتصادی در ایران اکنون به حد بی سابقه ای رسیده است. جامعه ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی همواره در بحران و فلج اقتصادی قرار داشته و اعتصابات تعطیل ناپذیر کارگران و اعتراضات مکرر معلمان و دیگر حقوق بگیران همه شاهی بر اوضاع غیر قابل تحمل

صفحه ۲



گسترش کمپین جهانی علیه سنگسار و نگرانی خانم شیرین عبادی

حدی که ما فراموش می کنیم بر سر زندانیان سیاسی چه می آید. ۱۷ زندانی سیاسی اعتصاب غذا کردند و تا پای مرگ ایستادند، اما متأسفانه نه در سطح ملی و نه در سطح بین المللی آن گونه که باید به این مسئله توجه نشد چون داستان سکینه محمدی را وزارت اطلاعات به نحوی جلو انداخت که

صفحه ۳

با طرح مسایلی چون دعوای زرگری بین آقای مشایی و سایر اصولگرایان یا مجازات غیرمنطقی برای مجرمین عادی توجه بین المللی را جلب کرده است... اما توجه داشته باشید که چگونه يك باره خانم سکینه محمدی تبدیل به کمپین بین المللی می شود و توجه افکار عمومی را به خود جلب می کند تا



محمد آسنگران

اخیرا شیرین عبادی طی مصاحبه ای با رادیو فردا گفته است که "برای این که حواس دنیا از زندانیان سیاسی پرت شود دولت

۲۸ آگوست زلزله ای دیگر بر پیکر جمهوری اسلامی



آوات فرخی

خودشان بر سکینه ها چشم نپوشند. امروز در دنیا همه مردم سکینه را بعنوان نماد يك زن تحت ستم در نظام جمهوری اسلامی می شناسند و سبعت و وحشیگری حکومت و بربریت اسلامی اش برای همگان

صفحه ۴

مردم در سراسر جهان در ۱۱۱ شهر مختلف دنیا به یاری سکینه و سکینه های محبوس در زندانهای جمهوری منفور اسلامی شتافتند و با صدایی پر از نفرت و انتزجار از جمهوری اسلامی فریاد زدند که در قرن بیست و یک نباید بشریت شاهد احکام قرون وسطایی سنگسار و اعدام باشد، اعلام کردند که در کنار سکینه و فرزندان او هستند، اعلام کردند که جمهوری اسلامی بعنوان رژیم سنگسار و اعدام باید منزوی و طرد شود و از دولتها خواستند که سفارتخانه های رژیم را ببندند و بخاطر منافع سیاسی و اقتصادی

مریم قربان زاده زن محکوم به سنگسار در خطر اعدام قرار دارد!

صفحه ۴

اخباری از شهرهای کردستان

صفحه ۵

نامه سجاد پسر سکینه محمدی آشتیانی

صفحه ۵

جمهوری اسلامی، بهنام ابراهیم زاده را ربوده است، جان بهنام در خطر است، ...

صفحه ۶

صدور قرار وثیقه یکمصد میلیون تومانی برای بهنام ابراهیم زاده

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بیانیه حزب کمونیست کارگری ...

مبارزه پیگیر برای آزادی زندانیان ...

از صفحه ۱

کوبید و عمارت کاغذی آن را فرو می‌پاشد، اما کارگران و فعالین کارگری و در یک بعد، انسان‌های شریف یک لحظه نمی‌توانند برای پیشبرد این مطالبه خود، دست از تبلیغ و سازماندهی بردارند. این امر را جمهوری اسلامی به درست "تبلیغ علیه نظام" می‌داند؛ منتها این دیگر مشکل این نظام است که با جامعه ای طرف است که برایش آزادی تشکل و بیان حیاتی است و در این راه دانا مبارزه می‌کند. در جای دیگری باید به رابطه بین حاکمیت جمهوری اسلامی و مبارزه برای آزادی بیان پرداخته شود، اما اینجا تأکید را می‌گذاریم بر روی مبارزه برای آزادی فعالین اجتماعی که به عنوان پوچی دستگیر می‌شوند و برایشان پاپوش می‌دوزند.

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از مبارزه برای تشکل کارگری و مبارزه برای آزادی بیان جدا نیست. اگر جمهوری اسلامی بتواند تمام فعالین اجتماعی ای را که با فعالیت برای آزادی نهادهای مستقل تداعی می‌شوند بدون دردرس به زندان بیاندازد، بر سر راه مبارزه و تلاش برای آزادی تشکل و نهادهای مستقل، مانع مهمی را ایجاد کرده است. هم اکنون رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده، منصور اسانلو، ابراهیم مددی و دهها فعال کارگری و فعال عرصه جنبش معلمان و دانشجویی و غیره در زندان هستند و بر سر راه دهها تن دیگر موانع دیگری چون قرار وثیقه و غیره قرار داده‌اند که امر سازماندهی جنبش‌های اعتراضی را پرهزینه‌کنند. منتها این امر گرهی از مشکلات جمهوری اسلامی را باز نمی‌کند، چرا که موقعیت زندگی زیر سیطره جمهوری اسلامی فقط اعتراض می‌آفریند و این اعتراضات هم به همراه خود کسانی را از دل خود بیرون خواهد داد که آن را فرموله خواهند کرد. جامعه به نظر من دیر یا زود از این وضعیت بحرانی یک گام جلوتر خواهد رفت و با انفجارهایی که در راه است، درب زندانها را خواهد شکست و

طومار جمهوری اسلامی را در هم خواهد کوبید. منتها از هم اکنون تا آن زمان باید مبارزه برای پس زدن جمهوری اسلامی در دست درازی به جان و آزادی فعالین اجتماعی یک رکن اصلی مبارزه نهادهای کارگری و فعالین کارگری هم در ایران و هم در سطح بین المللی باشد. سندیکای واحد، کمیته هماهنگی، کمیته پیگیری و اتحادیه آزاد کارگران در این امر اطلاع‌رسانی به موقع و مهمی را به پیش می‌برند و مبارزه برای آزادی فعالین کارگری را مستمر دنبال می‌کنند. در سطح بین المللی هم نهادهای مختلفی به این امر کمک رسانده‌اند. هم اکنون کمپین مهمی تحت عنوان "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" از طرف "کمیته همبستگی بین المللی حزب کمونیست کارگری" در جریان است که ادامه اعتراض به حضور سفرای جمهوری اسلامی در آی ال او است و هم چنین با پپیای مبارزه بر علیه سنگسار به پیش می‌رود. نقطه ضعفی که در این بین به چشم می‌خورد، عدم هماهنگی لازم بین فعالین کارگری و نهادهای کارگری است که با رفع این نقطه ضعف، مبارزه بر علیه اذیت و آزار فعالین کارگری و اجتماعی را یک گام قوی بجلو سوق می‌داد.

نکته دیگر و مهم اینکه به محض دستگیری یک فعال کارگری و اجتماعی، باید نهادهای دفاع از آن فعال ایجاد و سازماندهی بشوند و در سطحی وسیع این مسئله را پیگیری کنند. تجربه مبارزه برای آزادی سکینه محمدی آشتیانی یک نمونه بسیار باارزش اینجینی است. فرزندان سکینه زیر سرنیزه جمهوری اسلامی ای که زیر فشاری خرد کننده بین المللی برای حکم سنگسار سکینه است، جلو آمده‌اند و با کسانی چون مینا احدی هر لحظه در تماس هستند و این کمپین را به پیش می‌برند. در

صفحه ۶

هر اقدام متحد مردم در نپرداختن قبوض دولتی و مقابله با فشارهای دولت، هر اعتصاب برای نقد کردن دستمزدها و افزایش دستمزدها، هر اعتراض علیه اخراج و بیکاری و برای گرفتن بیمه بیکاری برای مقابله موثر با فلاکت حائز اهمیت بسیار است و باید به سیل خروشان مردم انقلابی در دفاع از زندگی انسانی و برای به گور سپاردن جمهوری اسلامی متصل شود. در این میان بویژه طبقه کارگر که قربانی اصلی فلاکت فعلی و مناسبات برده وار حاکم است، میتواند و باید با اعتصابات و اقدامات سراسری توده‌های عظیم، مردم را پشت سر خود متحد کند و به جمهوری اسلامی مستاصل اجازه ندهد تا به همراه خود جامعه را بیش از این به قهقرا سوق دهد. فلاکت فعلی بطور عینی و به معنای دقیق کلمه جامعه ایران را بر سر دوراهی "بربریت یا سوسیالیسم" قرار داده است. اکنون زمان آن است تا طبقه کارگر پیشاپیش مردم ایران بعنوان نماینده سوسیالیسم و رهایی انسان در برابر بربریت جمهوری اسلامی و سرمایه داری قد برافرازد.

زندگی انسانی

حق مسلم ماست!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

زنده باد انقلاب انسانی

برای حکومت انسانی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ شهریور ۱۳۸۹

۳۱ اوت ۲۰۱۰

همانا گسترش این اعتراضات و شکل‌گیری قدرت متحد و متشکل کارگران و توده‌های مردم در برابر افزایش قیمتها، فقدان مایحتاج، بیکارسازیها و هرگونه تهاجم به معیشت و زندگی مردم، و عقب راندن حکومت جنایتکار و پوسیده ای است که برای بقا خود جامعه را به نابودی میکشاند. حتی یک لحظه نیز نباید به جمهوری اسلامی اجازه داد که به بهانه تحریم خارجی یا نظیر آن خود را از تیغ اعتراض مردم به در برد. اوضاع فلاکت‌کنونی تاکیید مجددی است براینکه شرط فوری هرگونه بهبود جدی در اوضاع اقتصادی کارگران و مردم ایران رهایی جامعه از بختک جمهوری اسلامی و حکومت آیت الله‌های میلیاردر است. باید همه اعتراضات و مبارزات پراکنده علیه گرانی و بیکاری و فقر را حول شعار سراسری "زندگی انسانی حق مسلم ماست" متحد کرد و آنرا مبنای به میدان آوردن نیرویی قدرتمند و تا به آخر انقلابی قرار داد تا با سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جامعه آزاد، برابر، مرفه و انسانی وظایف انقلاب ناتمام ایران را به انجام برساند.

حزب کمونیست کارگری همه رهبران و فعالین کارگری، معلمان، پرستاران، همه دانشجویان و همه زنان و مردان آزاده را فرامیخواند تا شکل دهی به صف قدرتمند واحد و سراسری در مبارزه علیه گرانی و بیکاری و فلاکت را در صدر فعالیت های خود قرار دهند. سازماندهی و هدایت هر اعتراض محلی علیه گرانی و علیه نبود مایحتاج زندگی،

در جمهوری اسلامی بوده است. اما اکنون وضع بقدری وخیم است که تامین یک بخور و نمیر حتی با شرایطی برده وارتر از گذشته برای بسیاری ممکن نیست. بیکاری بویژه در بین جوانان بیداد میکند، بخش های هرچه بیشتری از شاغلین شغل خود را از دست میدهند و آنها که بر سر کارند از ترس بیکاری به ناگزیر به شرایط بدتر تن میدهند. بعد از اقدامات جمهوری اسلامی در حذف یارانه‌ها و افزایش قیمت کالاها، اساسی و بخصوص در پی تحریم های اقتصادی ماههای اخیر جامعه فلاکت عمومی قرار گرفته و تامین معاش به اولین مساله اکثریت عظیم مردم ایران تبدیل شده است. با توجه به بحران و بن بست و انزوای همه جانبه جمهوری اسلامی در داخل و در سطح جهانی، اوضاع اقتصادی از اینهم بدتر خواهد شد و بسوی یک فاجعه تمام عیار برای مردم ایران حرکت میکند.

اما این وضع علاوه بر نگرانی عمیق مردم و دست و پنجه نرم کردن روز به روز با فقر و فلاکت، به اعتراضات پراکنده اما وسیع و روبه تزاید در محیط کار و محلات و به فضای ناراضایتی شدید عمومی دامن زده است. فلاکت اقتصادی بی سابقه فعلی بر متن بن بست‌ها و بی‌آفتی جمهوری اسلامی و در اوضاع انقلابی جامعه ایران زمینه‌های گسترش اعتراضات وسیع و سراسری در بین اقشار مختلف طبقه کارگر و توده‌های محروم شهری را فراهم کرده است. در واقع راه مقابله فوری و موثر با فلاکت اقتصادی فعلی نیز

**اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.**

**زنده باد انقلاب انسانی
برای حکومت انسانی**

گسترش کمپین جهانی علیه سنگسار...

از صفحه ۱

توجه همگان به آن جلب شود و مسئله بزرگتر یعنی زندانیان سیاسی اعتصاب کننده را فراموش کنیم. به جای آن همه داد و قال و جنجالی که برای خانم سکینه محمدی به پا کردیم، آیا جا نداشت که برای ۱۷ زندانی سیاسی که بدون گناه و فقط به جرم آزادی خواهی در زندان بودند و اعتصاب غذا کردند و تا پای مرگ رفتند، حداقل به همان میزان حساسیت نشان می دادیم.

ظاهرا خانم عبادی همیشه مشغول کارهای مهم بوده و اکنون از اینکه توجه جهانیان از زندانیان سیاسی به "انحراف" رفته اظهار نگرانی کرده است. در همین نقل قول کوتاه چندین موضوع مطرح شده است اجازه بدهید به تک تک آنها پردازیم:

۱- کمپین جهانی علیه سنگسار را "داد و قال و جنجالی برای خانم سکینه محمدی" معرفی میکند.

۲- این کمپین را داستانی میدانند که "وزارت اطلاعات به نحوی جلو انداخت که توجه همگان به آن جلب شود و مسئله بزرگتر یعنی زندانیان سیاسی اعتصاب کننده فراموش شود"

۳- او مدعی است که "جنگ زرگری اصولگرایان و مجازات غیرمنطقی برای مجرمین عادی توجه بین المللی را جلب کرده است."

۴ توجه به زندانیان سیاسی اعتصابی کم بود .

گویا همه به دنبال طرح وزارت اطلاعات راه افتاده اند و داد و قال و جنجالی میکنند.

اولا این ادبیات اسلامی و احمدی نژادی تا اعماق در میان اصلاح طلبان حکومتی و همفکران خانم عبادی هم موجود است. این فرهنگ چنان خودی و عادی مینماید که احساس شرم نمیکنند هنگامیکه جریانات و شخصیتهای مطرح و انقلابی شناخته شده و عواطف و اعتراض بحق میلیونها انسان شریف جهان را داد و قال و جنجالی و طرح وزارت اطلاعات معرفی میکنند. خانم عبادی میدانند دروغ میگویند اما این بیشرمی را با گستاخی بیان میکنند.

معلوم نیست چرا به احمدی نژاد برای چنین ادبیاتی ایراد میگیرند وقتی که خود تا اعماق با این بی منطقی آلوده هستند.

ما البته میدانیم مشکل خانم عبادی چیست واقعت چیز دیگری است. به این خواهیم پرداخت. ما میدانیم که قبلا هم کنفرانس برلین و ۱۸ تیر ۷۸ را با همین ادبیات عفونی آلوده کردند. طیف همفکران خانم عبادی این دو واقعه تاریخی را هم به وزارت اطلاعات منتسب کردند. عبادی و سحابی و گنجی و کدیور و توده ایها و ... همگی نوشتند و گفتند که آن دو واقعه خارج از کنترل آنها بوده و چیزی که خارج از کنترل آنها باشد لابد مجازند که بگویند طرح وزارت اطلاعات بوده است. طرح جناح رقیب آنها است. گویا دنیا بر محور جنگ دو جناح رژیم میچرخد. گویا جبهه سومی وجود ندارد. گویا جامعه منتظر بیانات اسلامی و عفونی آنها میماند. این توهم تا کنون کار دست عبادیها داده است و این مورد کمپین جهانی علیه سنگسار فعلا آخرین آن است نه اولین.

ما میدانیم که خانم عبادی چقدر از جریان ۱۸ تیر ۷۸ ابراز نگرانی کرد و گفت که جریان مشکوکی است و... ما نگرانی خانم عبادی و همفکرانش را از کنفرانس برلین هم دریافت کردیم. اما تاریخ نشان داد که آنها برای حفظ نظامشان و پیش بردن امرشان حاضرند به هر دروغی چنگ بزنند. آنها مشکل مردم و زندانی سیاسی را ندارند. اگر داشتند دهه شصت کلامی میگفتند. اگر نگران زندانی سیاسی بودند سال ۶۷ چیزی میگفتند. رهبرشان موسوی نخست وزیر اماشان در قدرت بود. حال با بی فرهنگی و اتهامات بی پایه و اساس و لمپنیسم اسلامی که خاص تنها احمدی نژاد نیست اتهام پرت میکنند و جامعه را با عفونت کلام خود آلوده میکند. کل جنبش ملی اسلامی پایه اش بر این لمپنیسم اسلامی و بی منطقی و اتهام و تهدید بنا شده است.

دوما خانم عبادی مدعی است

که این کمپین جهانی علیه سنگسار "داستانی است که وزارت اطلاعات جلو انداخته است". خارج از اینکه چنین اتهام و دروغگویی عادت شخصیتهای جنبش ملی اسلامی است این خانم حقوق بشری چرا نگران این است که جهانیان علیه سنگسار به میدان آمده اند. مگر ایشان مدعی نیست که مخالف سنگسار است. اگر حتی وزارت اطلاعات و برادران امنیتی ایشان خوهان لغو مجازات سنگسار بشوند چرا نباید خانم عبادی را خوشحال کند. مگر در جریان اعتراضات پارسال ایشان پیام مخصوص فدایت شوم به نیروهای انتظامی و برادران بسیجی و سپاهی نداد. اگر امروز آنها به پیام ایشان جواب داده باشند چرا نباید ایشان خوشحال شود. معلوم است که هیچکدام از این داستانها و دروغگوئیها برای خود عبادی ناروشن نیست. آنچه برایش مهم است این است که این کمپین جهانی به رهبری کسان دیگری و به تقویت چپ جامعه منجر میشود و خانم عبادی مشکل اش همین است.

سومین موضوعی که این خانم "حقوق بشری" به آن میپردازد و از آن نگران است این است که "مجازات غیرمنطقی برای مجرمین عادی توجه بین المللی را جلب کرده است" همین جمله کافی است که کل پرونده دروغین حقوق بشری او دود بشود و هوا برود. اگر به نظر ایشان مجازات سنگسار نه وحشیانه بلکه "غیرمنطقی" هم باشد و مردم جهان علیه آن به میدان بیایند چرا از این نگران است. چرا اظهار خوشحالی نمیکند که این مجازات غیر منطقی باید لغو شود و تلاش کند مسئله زندانیان سیاسی را هم در پرتو این اعتراض جهانی بیشتر به اطلاع جهانیان برساند. اما نکته مهم و کلیدی این جمله بخش دوم آن است که با نگرانی و اعتراض میگوید چرا مجرمین عادی توجه جهانیان را به خود جلب کرده است. همین موضوع نشان میدهد که بشر برای خانم عبادی و جنبش ملی اسلامی دو نوع است نوع برتر و نوع پست تر. ایشان اکنون توجهشان به نوع برتر آن است. معلوم نیست این خانم حقوق بشری چرا دهه شصت به این نوع انسانها توجهی نداشت و خود و همفکرانش در مورد اعدام و

شکنجه و تجاوز به آنها در بهترین حالت سکوت کردند. اگر نه همراه شکنجه گران مشغول سرکوب "ضد انقلاب" بودند.

آخرین مورد گویا به زندانیان سیاسی اعتصابی کم توجه شده است. ظاهرا این کم توجهی که معلوم نیست از جانب کی شده است بهانه ای به خانم عبادی داده است که هم کل این حرکت را طرح وزارت اطلاعات بداند، هم مردم جهان و رهبران این کمپین جهانی را دنباله رو طرحهای وزارت اطلاعات معرفی کند و هم بگوید که یک زندانی با جرم عادی مهم نیست و نباید این چنی کمپین نجاتش جهانی میشود. همه این ادعاها را میتوان چنین جمع بندی کرد: یک مشت فرض های غیر منطقی با آدرسی اشتباه و توعی بیجا همراه است.

اولا انتقاد عبادی به چه کسی است که گویا توجه به زندانیان سیاسی کم بوده است. کسی مگر دست ایشان را گرفته بود. یا جنبش اش به سرازیری افتاده است و انتظار دارد بقیه منتظر قدرت نمایی آنها باشند. از همه اینها گذشته چگونه به خودش اجازه میدهد که این چنین بی مهابا کل این کمپین جهانی را به طرح وزارت اطلاعات وصل کند. آیا این آدرس دادن برای خوباندن این کمپین و نجات رژیم است یا نگرانی از موقعیت خود که با این کمپین به حاشیه رفته است.

اولا برخلاف ادعای شیرین عبادی این کمپین کل گفتمان کشورهای جهان با جمهوری اسلامی را از موضوع اتم به موضوع مبارزه علیه مجازات اعدام و سنگسار و حقوق شهروندان تغییر داده است. دوما اکنون این کمپین چنان قدرت مند پیش میروند که دولتها مخصوصا در غرب زیر فشار افکار عمومی ناچار شده اند خود را مدافع این کمپین معرفی کنند. سوما هر موضوعی که در ایران اتفاق میافتد با اعتراض به رژیم همراه میشود نه دیلوگ و سازش و راه حل دیپلماتیک. و این موفقیت مهمی برای مردم ایران است که راه ایزوله کردن و فشار به جمهوری اسلامی را با سیاستی رادیکال و علیه کلیت رژیم جهانی کرده است.

آیا خانم عبادی میتواند مدعی باشد که قبلا (من به نسل کشی رژیم در دهه ۶۰ و سکوت تأیید

آمیز ایشان برنمگردم) لاقل از مقطع دوم خرداد که این خانم هم مدافع حقوق بشر شد، بگوید کدام کمپین مورد نظرش جهانی شد و توجه جهانیان را به خود جلب کرده است که این مورد به دلیل کمپین علیه سنگسار دچار مشکل شده باشد.

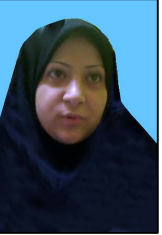
واقعت این است که کمپین جهانی علیه سنگسار جای هیچ کمپین دیگر را نگرفته است. رقیب هیچ کمپین حق طلبانه ای نیست. ما به سهم خودمان تلاش کردیم که موضوع زندانیان سیاسی را که از سه دهه قبل در دستور داشته ایم همچنان پیگیری کنیم و توجه جهانیان را به آن جلب کنیم. خانم عبادی دو دهه دیر رسیده است این مشکل ایشان است ما بی گناهییم. هر کسی میتواند هر موضوع مورد نظرش را در جهان به افکار عمومی معرفی کند. اما لطف کنید محدود نگری و جدال جنبشستان با جنبشهای انقلابی در ایران را از این پنجره امنیتی و وزارت اطلاعاتی وارد بازار نکنید. دست شما رو شده است. مردم کل این جنبش ملی اسلامی با حاکم و محکومش را تجربه کرده اند. هم حاکمیتستان را دیدیم و هم اپوزیسیون بودندنتان را، هیچکدام چنگی به دل نمیزند لطفا مزاحم جامعه نشوید.

این نمونه های تاریخی مرد رند بودن و شارلاتانیسم این مدافعان حقوق بشر را بیشتر عیان میکند. اینها را باید با ماهیت واقعیشان به جامعه معرفی کرد. عبادی توجهش به زندانیان سیاسی نیست. توجهش به این است که این کمپین جهانی علیه کل سنت و سیاست و قوانینی است که خانم عبادی و جنبش اش مدافع آن هستند. مشکل اینجا است که این کمپین توجه جهان را علیه جمهوری اسلامی در کلیتش به خود و رهبران این کمپین جلب کرده است. مشکل عبادی این است که جریان چپ و انسانی شناخته شده مثل مینا احدی و سیاستی چپ در راس این کمپین است. آقای محمد مصطفایی هم در این راه قدمی برداشت و سرچایش نشانده شد. بنابر این نگرانی خانم عبادی قابل درک است. اما توان مقابله با این حرکت را ندارند. فعلا باید در انتظار بنشینند.

۲۵ اوت ۲۰۱۰

۲۸ آگوست زلزله ای دیگر...

از صفحه ۱



مریم قربان زاده

مریم قربان زاده زن محکوم به سنگسار در خطر اعدام قرار دارد!

وی در همین گفتگو اظهار داشته است: "تنها کاری که از دست من ساخته است این است که تقاضای اعاده دادرسی کنم و در این زمینه اقدام میکنم اما مشخص نیست تقاضای ما را بپذیرند یا نه. متأسفانه اکنون پرونده در شعبه ۷ اجرای احکام که شعبه مخصوص اجرای احکام اعدام است، می باشد." آقای کیان با اشاره به اینکه چندی پیش مقامات رژیم اسلامی مریم قربان زاده را وادار به سقط جنین شش ماهه خود کرده اند، اینرا نشانه ای از تعجیل مقامات قضایی در اعدام او میدانند. او اضافه کرده است: "متأسفانه وضعیت روحی مریم اصلاً مناسب نیست و بعد از سقط جنین بدتر شده و الان هم که در خطر مرگ قرار دارد می توانید تصور کنید که در چه شرایطی است."

کمیته های بین المللی علیه سنگسار و اعدام همه مردم جهان را فرامیخواند تا خواهان لغو مجازات سنگسار و اعدام مریم قربان زاده و همه محکومین به سنگسار و اعدام و سایر مجازات های وحشیانه اسلامی شوند و اعلام کنند که رابطه جنسی میان افراد بزرگسال امر شخصی خود آنها است و هیچ دولتی حق دخالت در آن و جرم محسوب کردن آنرا ندارد.

کمیته بین المللی علیه سنگسار
کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۶ اوت ۲۰۱۰

مریم قربان زاده ۲۵ ساله که عکس او اینجا منتشر میشود، یکی از کسانی است که در لیست ۲۲ نفره محکومین به سنگسار، که قبلاً نام آنها را منتشر کرده ایم، قرار دارد. با انتشار عکس مریم امیدواریم مردم جهان چهره او را ببینند و به حمایت وسیع تری از این قربانی رژیم اسلامی سنگسار در ایران برخیزند.

مریم قربان زاده همچون سکینه محمدی در زندان تبریز بسر میرود. مریم از چهار سال قبل در زندان است و بعد از یک مرخصی کوتاه مدت، حامله شده و در پرونده ای شبیه سکینه محمدی آشتیانی به جرم "زنا" به سنگسار محکوم شده است. اما تحت تاثیر اعتراض بین المللی در دفاع از سکینه و بر علیه سنگسار، حکم او توسط شعبه ۱۲ دادگاه کیفری استان آذربایجان به اعدام از طریق "به دار آویختن" تبدیل شده و به دایره اجرای احکام فرستاده شده است. وکیل مریم قربان زاده آقای هوتن کیان روز ۲۱ مرداد ماه در گفتگویی با سایت "روز" اظهار نگرانی کرده است که مریم هر لحظه در معرض اعدام قرار دارد.

نشان کشیدن برای مردم ایران وحشی تر شده که میخواهد هر طوری است سکینه را گناهکار معرفی کند و با اعدام وی نشان دهد که اعتراضات جهانی در مقابل تصمیمات وی بی فایده است. شهرهای داخل ایران در این کارزار جهانی باید دخالت کنند و نگذارند جمهوری اسلامی از زیر بار فشارهای جهانی کمر راست کند. باید تمام تلاش خود را کرد که برای همیشه از شر حکومت سنگسار و اعدام راحت شویم. باید روی دیوارها را با شعار مرگ بر حکومت اعدام و سنگسار پر کرد. مردم در داخل باید بار دیگر قدرت خود را به رژیم سنگسار نشان دهند. ۶ دی روز عاشوار رژیم در آستانه سقوط قرار گرفت و این در گفته های خود سران رژیم آشکار بود. با پیوستن شهرهای داخل ایران به کمپین سکینه باید سرنگونی رژیم را که به کابوسی تبدیل شده و خواب سرائش را آشفته کرده است به حقیقت بدل کرد. حقیقتی که ۳۱ سال است که مردم برایش مبارزه می کنند. به امید گسترش کمپین سکینه به شهرهای دیگر ایران.

۳۱ آگوست ۲۰۱۰

حزب کمونیست کارگری ایران آنجاست". جوانان شهر رشت به مردم سایر شهرها در ایران راه پیوستن به کمپین سکینه را نشان دادند و این باید خط و جهتی باشد که سایر شهرهای دیگر هم از داخل با اعلام حمایت از این کمپین فشار مضاعفی بر جمهوری اسلامی باشند. همه باید علیه جنایات رژیم بربریت اسلامی بسیج شویم و باید وسعت این کمپین را تا جایی گسترش داد که در نهایت به طرد جمهوری اسلامی منجر شود مردم ایران ۳۱ سال است که برای زدن ریشه اعدام و سنگسار مبارزه می کنند و علیه این قوانین قرون وسطایی هستند و همیشه با صراحت جواب "نه" خود را به جمهوری اسلامی داده اند اما اکنون باز باید با اعلام حمایت از این کمپین صدایشان را رساتر به گوش جهانیان برسانند.

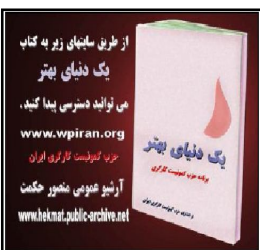
فشار جمهوری اسلامی بر فرزندان سکینه و وکیل کنونی اش هوتن کیان و نامه سجاد پسر سکینه در رابطه با مفقود شدن پرونده قبلی مادرشان که در آن در رابطه با قتل همسرش بیگناه شناخته شده بود همه و همه حکایت از آن دارد که جمهوری اسلامی برای مقابله با افکار عمومی جهانی و همچنین خط و

آشکار است که انسانی را بخاطر روابط خصوصی اش به سنگسار محکوم می کند.

فریاد هزاران نفر برای دفاع از سکینه و سایر زندانیان محکوم به اعدام و سنگسار مرزها را در هم شکست و جهانی شد فریادی که بیش از پیش جمهوری اسلامی را لرزاند و سرنوشت حکومت آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی را جلوی چشمان سران مرتجع آن به تصویر کشید و بر وحشت آنان افزود که هراسان برای حفظ چهره شان و پنهان کردن ترس خود، وحشی گریشان را دوچندان و به سکینه اعلام کردند که ۲۹ آگوست اعدام می شود و باز هم برای زندانیان دیگری احکام سنگسار و اعدام صادر کرده تا وانمود کند نسبت به فشارهای بین المللی بی تفاوت هستند.

اما این فضای همبستگی جهانی مردم متمدن دنیا است که جمهوری اسلامی را به هراس و وحشت انداخته است. مردم ایران از رسانه های مختلف کمپین سکینه را دنبال می کنند تا جاییکه حتی جوانان شهر رشت هم به این کمپین پیوستند و در اعلامیه ای که در سطح شهر پخش کرده بودند گفتند که "هر جا انسانی به کمک نیاز داشته باشد

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد.
اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است.
همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.



اخباری از شهرهای کردستان

تایید حکم ۵ ماه زندان تعزیری اسعد مولودزاده



بر اساس حکمی که به اسعد مولودزاده عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ابلاغ شده، شعبه ۱۰ دادگاه تجدید نظر استان اذربایجان غربی حکم ۵ ماه زندان تعزیری دادگاه بدوی را تصویب و مورد تایید قرار داد.

نامبرده به اتهام تبلیغ علیه نظام دادگاهی شده و از طرف دادگاه حکم پنج ماه زندان تعزیری در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۳۸۹ به وی ابلاغ شده بود اما این رای صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدید نظر خواهی در دادگاه

تجدید نظر استان می بود که پس از گذشت این مدت این حکم از طرف دادگاه تجدید نظر نیز مورد تایید قرار گرفت.

اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری حکم صادره برای این فعال کارگری، اسعد مولودزاده عضو کمیته هماهنگی را محکوم کرده و همچنین خواهان آزادی بدون قید و شرط تمامی کارگران و فعالین کارگری در بند می باشیم.
۵/۶/۱۳۸۹

مخالفت با مرخصی یک زندانی در مهاباد

مقامات قضائی شهر مهاباد با دادن مرخصی به شورش مام رحمان پور مخالفت کردند. مقامات مسئول به دلیل امنیتی بودن اتهام نامبرده، از دادن مرخصی به وی خودداری کرده اند.

شورش مام رحمان پور که حدود یک سال است در زندان بسر می برد

به اتهام همکاری با احزاب غیرقانونی به تحمل ۵ سال حبس محکوم شده است

شعله های آتشی مناطقی از کردستان را فرا گرفت



در ادامه به آتش کشیدن جنگلها و مراتع بخشهایی از کردستان، موج تازه ای از هجوم زبانه های آتش در روز چهارشنبه ۰۳/۰۶/۸۹ جنگلهای "رشته دی، سلسی و پلی" را هم درنوردید. این آتش سوزیها که از تاریخ ۲۳ اردیبهشت ماه بصورت پیوسته و وسیع جنگلهای سبز میروان و سروآباد را طعمه خود قرار داده تاکنون بالغ بر ۲۷۰ مورد از جنگلها و مراتع این منطقه را با وسعتی بیش از ۶۰۰۰ هکتار به

خاکستر تبدیل کرده است. بنا به گزارشات منتشره، به آتش کشیدن جنگلها از محدوده میروان و سروآباد نیز فراتر رفته و هم اکنون دامنه های وسیعی از پوشش جنگلی رشته کوههای کبیر کوه ایلام و مواردی از جنگلهای کرمانشاه را نیز در خود گرفته است.

این آتش سوزیها عمدتاً در جنگلهای مرزی کردستان به وقوع پیوسته است.

تخریب عمدی محیط زیست و از بین رفتن این جنگلها در حالی صورت میگیرد که مسئولان حکومتی ایران عوامل این آتش سوزیها را ناشناخته اعلام نموده و تاکنون هیچگونه اقدام عملی جدی ای را برای مهار این آتش سوزیها و اطفای حریق جنگلهای کردستان انجام نداده اند.

به گفته برخی از شاهدان عینی افرادی وابسته به سپاه پاسداران اقدام به آتش زدن جنگلهای این منطقه نموده اند.

رحیم رشی ممنوع الملاقات و به قرنطینه منتقل شد

رحیم رشی زندانی سیاسی که از روز ۲۹ تیرماه در زندان مهاباد دست به اعتصاب غذا زده، ممنوع الملاقات و به قرنطینه منتقل شد.

ممنوع شدن از ملاقات و انتقال به قرنطینه رحیم رشی، در حالی صورت میگیرد که وضعیت جسمانی او پس از گذشت چهل روز از شروع اعتصاب غذا رو به وخامت گذاشته است. در پی وخامت حال جسمی رحیم، مسئولان بهداری زندان نیز جهت مداوا سرم غذایی به وی وصل کرده اند.

رحیم رشی روز ۲۸ تیرماه توسط نیروهای امنیتی در مهاباد دستگیر شد و از فردای همان روز در اعتراض به بازداشت دست به اعتصاب غذا زده است.

رحیم از روز چهارم شهریور ماه به قرنطینه منتقل شده است.
* * *

نامه سجاد پسر سکینه محمدی آشتیانی



متن این نامه را کمیته بین المللی علیه سنگسار در اختیار رسانه ها قرار میدهد.

کمیته بین المللی علیه سنگسار کمیته بین المللی علیه اعدام

۳۰ اوت ۲۰۱۰

بنام ایزد کانون مدافعان حقوق بشر در سرتاسر این گیتی پهناور

با درود و ضمن تقدیر و تشکر از زحمات شبانه روزی شما، در جهت خلاص (نجات) جان مادر بی گناهم:

اینجانب سجاد قادرزاده - هفته قبل که جهت تکمیل مدارک فوت پدرم و تهیه سایر مستندات از پرونده قتل پدرم به شعبه ۷ اجرای احکام کیفری شهر تبریز مراجعه نمودم متوجه شدم که پرونده قتل پدرم در شعبه فوق وجود ندارد، اول

آپارتمانش به بدترین وجه ممکن، لب تاپ و پرینترو کلیه پرونده های وی از جمله پرونده مادرم را با خود برده اند و زمانیکه ما مراجعه نمودیم، انگار در منزل فوق زلزله صورت گرفته بود.

اینجانبان (اینجاناب) از مسئولین قضائی تعجب می کنم؛ در حالیکه بواسطه مصاحبه قانونی وکیل سابق این حقیران، آقای محمد مصطفائی، این وکیل زبده، در جهت حفظ جان خویش، با ترک خانه و کاشانه خویش، مجبور از فرار و ترک وطن شده و اینک آقای هوتن کیان به خاطر افساء موارد خلاف قانونی پرونده مادرمان، تحت شدیدترین فشارهای امنیتی و روانی قرار گرفته و مورد شدیدترین تهدیدها واقع شده و احضار می شود.

چرا به کیفیت دروغ از مادرم، به اجبار اعتراف می گیرند و به نمایش می گذارند؟ چرا از آن تاریخ به بعد اجازه ملاقات مادرمان را با ما و وکیل سلب کرده اند؟! آیا جز این

نیست (است) که آثار شکنجه در بدن وی فعلاً هوداست و نمخوانند شاهدهی باشد، ملاقاتها را به بعد از بهبود نسبی این آثار محول کرده اند؟! چرا به دروغ علیه مادرم پرونده سازی می کنند؟ چرا پرونده ای که مختموم شده، دوباره مطرح می کنند؟ چرا پرونده قتل پدرم مفقود شده است؟ چرا اجازه نمی دهند، روند رسیدگی به پرونده مادرم مثل هر پرونده دیگری روال طبیعی خود را طی کند؟ واقعاً متأسفیم از اینکه، در جمهوری اسلامی به دنیا آمده ایم و از اینکه پس از نمایش تلویزیونی جمهوری اسلامی از خانواده خود دیگر طرد شده ایم! و مجبوریم اینجا را به ذلت، تحمل کنیم؟! واقعاً مرگ کجائی که زندگی ما را کشت؟

سجاد قادر زاده

کلمات داخل پرانتز از کمیته علیه سنگسار است

* * *

صدور قرار وثیقه یکمصد میلیون تومانی برای بهنام ابراهیم زاده

یکمصد میلیون تومانی برای آزادی وی صادر کرده است و علیرغم این وضعیت به بهنام اجازه ارتباط تلفنی با خانواده اش را نداده اند. بهنام ابراهیم زاده به این قرار اعتراض کرده و اعلام نموده است قادر به تودیع چنین قرار وثیقه ای نیست.

اتحادیه آزاد کارگران ایران -
نهم شهریور ماه ۸۹
www.ete hade.com
k.ekhrabi@gmail.com

بنا بر خبرهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران دیروز هشتم شهریور ماه ۸۹ بهنام ابراهیم زاده از فعالین کارگری و حقوق کودکان پس از بیش از دو ماه و نیم بازداشت و بی خبری خانواده اش از وضعیت وی، از بند ۲۰۹ زندان اوین با خانواده خود تماس تلفنی گرفت.

بنا بر این خبر بهنام ابراهیم زاده را حدود یک ماه پیش از بند ۲۰۹ اوین به دادگاه منتقل کرده اند و قاضی دادگاه قرار وثیقه

جمهوری اسلامی، بهنام ابراهیم زاده را ربنده است، جان بهنام در خطر است، به فراخوان برادر بهنام برای نجات جان او وسیعا پاسخ دهیم

مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزینید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/blog-page.html>

۸ شهریور ۱۳۸۹ - ۳۰ اوت ۲۰۱۰

متن نامه موسی ابراهیم زاده:

به همه انسانهای آزادبخواه در سراسر جهان جان برادرم بهنام ابراهیم زاده در خطر است به ما کمک کنید که او را از زندان نجات دهیم

بهنام ابراهیم زاده برادر من است. او یک کارگر و مدافع حقوق کارگران و کودکان و حقوق انسان است. به این جرم الان سه ماه است در زندان است. او را در ۲۲ خرداد دستگیر کردند. ضرب و شتم کردند و به بدنش آسیب رساندند. بعد از همه اینها سه ماه میگذرد و در این مدت هیچ خبری از او بدست نیاموردیم. مرتب ما را دست به دست میکنند. از این هفته به آن هفته حواله میدهند. تا اینکه در آخرین باری که مراجعه کردیم، آب پاکی روی دستمان ریختند، گفتند که یکماه پیش مامورین اطلاعات برادرم بهنام

پشتیبانی و حمایت میکنیم و جلب همبستگی جهانی و فشار آوردن به جمهوری اسلامی برای آزادی فوری بهنام از زندان را در دستور کار فوری خود قرار میدهیم.

ما از همه کارگران، معلمان، و بخش های مختلف جامعه و از همه نهادهای بین المللی میخواهیم که به فراخوان موسی ابراهیم زاده پاسخ دهند و به هر شکل که میتوانند یاری رسانند.

جان بهنام در خطر است و همانطور که برادر او تاکید کرده است، نیاز به اقدامی اضطراری است. با تمام قدرت برای نجات جان بهنام تلاش کنیم.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی
آزاد باید گردد
کمپین برای آزادی کارگران
زندانی

شهلا دانشفر
۹۸۹۶۸۷۷۷۹۸۰۰۰۴۴
Shahla.Daneshfar@yahoo.com
آدرس ایمیل

جهت جلوگیری از ربانتهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت مشاهده آنها شما نیاز به فعال ساختن جاوا اسکریپت دارید

بهرام سروش
۲۳۸۳۳۴۷۸۵۲۰۰۰۴۴
Bahram.Soroush@gmail.com
آدرس ایمیل

جهت جلوگیری از ربانتهای هرزنامه محافظت شده اند، جهت

سه ماه است بهنام ابراهیم زاده از فعالین کارگری و مدافع



بهنام ابراهیم زاده

حقوق کودک، دستگیر شده و کسی از او خبری ندارد. مسئولین اوین در آخرین دیدار خانواده اش گفته اند که بهنام یکماه قبل توسط مامورین اطلاعات از بند ۲۰۹ منتقل شده و از او بی خبرند.

همه این اخبار حاکی از مفقود شدن بهنام و وضع نگران کننده اوست. جمهوری اسلامی بهنام ابراهیم زاده را ربنده است و جان او در خطر است. جمهوری اسلامی مسئول جان بهنام ابراهیم زاده و همه زندانیان سیاسی است.

موسی ابراهیم زاده، برادر بهنام طی نامه ای به همه مردم آزادیخواه در سراسر جهان کارزاری را در حمایت از بهنام ابراهیم زاده اعلام کرده است و در آن خواستار حمایتی بین المللی در حمایت از وی و نجات جان او شده است. ما از فراخوان موسی ابراهیم زاده، برادر بهنام با تمام قدرت

انتظار بیشترین حمایت ها را از همه مردم در سراسر جهان داریم. بهنام برای یک زندگی انسانی تلاش میکرد، بهنام را نجات دهیم. بهنام و همه کارگران زندانی و انسانهایی که بخاطر خواستهای برحق و انسانی شان در زندانند باید فوراً از زندان آزاد شوند.

ما نگرانیم. راهی دیگر در برابرمان نمانده است. با تمام قدرت برای آزادی و نجات بهنام و بهنام ها تلاش میکنیم. اعتراضات زیادی بخاطر زندانی شدن بهنام و کارگران زندانی شده است. به سهم خود تشکر میکنم و من هم با این نامه کارزار خود را برای نجات جان بهنام و بهنام ها اعلام میکنم. من را در این کارزار یاری رسانید.

موسی ابراهیم زاده
۷ شهریور ۱۳۸۸

را برده اند و آنها خبری ندارند. شما بگویید اکنون به کجا مراجعه کنیم. جان برادرم در خطر است. ما به کمک همه انسانهای آزادیخواه در جهان نیاز داریم. ما به کمک همه کارگران و همه مردم نیاز داریم.

من موسی برادر بهنام هستم. ما یک خانواده کارگری در اشنویه هستیم. خانواده ما همیشه زیر فشار و تهدید بوده است. در همین ماه بود که بار دیگر پدر و برادرم دادگاهی شدند. و بالاخره برایشان حکم تبرئه صادر کردند. چرا؟ تا کی ما باید متحمل این وضعیت شویم.

من این نامه را از جانب خودم، خانواده ام و همسر و فرزند بهنام مینویسم. ما انتظار بیشترین حمایت ها را از شما کارگران و همه مردم داریم. ما



همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

جلوی جنبشهای اعتراضی باز کند و راه حل موثقی را جلو فعالین این عرصه بگذارد.

مطمئناً این مسئله مشکلات خود را دارد، اما این مشکل در بحبوحه مبارزات رادیکال جامعه بر علیه جمهوری اسلامی، نمی تواند سدی بر سر راه تلاش در این راه بشود.

۳۰ اوت ۲۰۱۰

مبارزه پیگیر برای آزادی زندانیان...

از صفحه ۲

مورد فعالین کارگری هم دقیقاً یک چنین وضعیتی می تواند کمک کننده باشد. همسر و مادر و فرزند اسانلو یا رضا شهابی و یا مثلاً بهنام ابراهیم زاده می توانند سخنگوی نهاد برای آزادی فعال زندانی مربوطه باشند و جمهوری اسلامی را برای اذیت و آزار عزیز

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!